

ماخوذ از صحیح البخاری، تفسیر ابن کثیر، تفسیر قرطبی

تفسیر احسن الکلام

(فارسی)

مترجم
دکتر حسین تاجی گلہ داری

تصحیح و مراجعہ
دکتر عبدالغفور حسین بر
عبدالواحد شمسی

دارالسلام



ریاض • جدہ • شاریہ • لاہور • کراچی
اسلام آباد • لندن • ہوسٹن • نیویورک

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ

همانا ما قرآن را نازل کردیم
و قطعاً ما نگهدارنده آن هستیم

وَلَقَدْ نَزَّلْنَاهُ بِالْقُرْآنِ
لَذِكْرٍ مِّنَ مَّالِكِ
١٤٢٨ هـ

سُورَةُ الْفَاتِحَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿١﴾

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٢﴾

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٣﴾ مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ﴿٤﴾

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴿٥﴾ اهْدِنَا

الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿٦﴾ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ

عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿٧﴾

سورة فاتحه^[۱]

به نام الله بخشنده مهربان ﴿۱﴾

ستایش مخصوص الله است که پروردگار جهانیان است ﴿۲﴾ بخشنده مهربان است ﴿۳﴾ مالک روز جزاء است ﴿۴﴾ تنها تو را می پرستیم؛ و تنها از تو یاری می جویم ﴿۵﴾ ما را به راه راست هدایت کن ﴿۶﴾ راه کسانی که بر آنان نعمت دادی؛^[۲] نه خشم گرفتگان بر آنها؛^[۳] و نه گمراهان^[۴] ﴿۷﴾

[۱] ابو سعید بن معلی می گوید: در مسجد نبوی نماز می خواندم که رسول الله ﷺ مرا صدا زد..... آنگاه فرمود: "قبل از اینکه از مسجد خارج شوی، سوره ای را که بزرگترین سوره قرآن است به تومی آموزم" سپس دستم را گرفت و هنگامی که خواست از مسجد بیرون برود؟ عرض کردم: مگر نفرمودی که سوره ای را که بزرگترین سوره قرآن است به تومی آموزم؟ فرمود: "آن سوره حمد ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ است که دارای هفت آیه می باشد که (در هر رکعت نماز) تکرار می شود، و همان قرآن بزرگی است که به من عطا شده است". (صحیح بخاری: ۴۴۷۴)

[۲] مراد از آنها: انبیاء، صدیقین، شهداء و صالحین هستند، چنانکه در سوره نساء آیه ۶۹ آمده است.

[۳] مراد از آنان یهود اند.

[۴] مراد از گمراهان نصاری می باشد. رسول الله ﷺ فرموده: "هنگامی که امام ﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾ خواند، آمین بگوئید، زیرا آمین هر کس که همزمان با آمین فرشتگان باشد، گناهان گذشته اش بخشیده می شود." (صحیح بخاری: ۷۸۲)

سُورَةُ الْبَقَرَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الَمْ ۝۱ ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ۝۲
الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا
رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ۝۳ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ
إِلَيْكَ وَمِمَّا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ۝۴
أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝۵

سورة بقره

به نام الله بخشنده مهربان

آلَمْ (الف. لام. میم) ۱ ۝ این کتابی است که هیچ
شکی در آن نیست و مایه هدایت پرهیزگاران ۲ ۝ است
آن کسانی که به غیب ۳ ۝ ایمان می آورند و نماز را بر پا
می دارند و از آنچه روزی شان داده ایم انفاق می
کنند ۴ ۝ و آنان که به آنچه بر تو نازل شده و آنچه (بر
پیامبران) پیش از تو نازل شده ایمان می آورند و به روز
رستاخیز یقین دارند ۵ ۝ آنان بر هدایت از جانب
پروردگارشان، و آنان رستگارانند ۵ ۝

- [۱] الف. لام. میم، حروف مقطعه هستند، که در اوایل برخی از سوره های قرآن آمده است، که معانی آنها را تنها الله متعال می داند، (تفسیر ابن کثیر)
- [۲] مراد از پرهیزگاران کسانی اند که فقط از الله متعال می ترسند و احکام او را به جای می آورند و از چیز های منع شده دوری می جویند.
- [۳] مراد از غیب، تمام آن چیز هایی است که عقل و حواس نتواند آن را در دنیا درک کند مانند: وجود الله متعال، فرشتگان، حیات بعد از مرگ و غیره، و در اینجا مراد از ایمان به غیب، یقین داشتن به تمام آن مسایل ماورای عقل و حواس که الله و رسول ما را از آن خبر داده اند می باشد مانند: ایمان به الله متعال، اعتقاد داشتن به فرشتگان، کتابهای آسمانی، پیامبران، روز رستاخیز و قضا و قدر.
- [۴] این آیه اشاره به ارکان اساسی اسلام دارد همچنانکه در حدیث نبوی آمده است: "اسلام بر پنج چیز بنا شده است ۱- گواهی دادن بر این که الله یکی است و جز او معبودی بر حق نیست، و محمد ﷺ رسول الله است ۲- اقامه نماز ۳- دادن زکات ۴- ادای حج ۵- گرفتن روزه ماه رمضان." (صحیح بخاری: ۸)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٦﴾ خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشْوَةً وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٧﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٨﴾ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٩﴾ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ﴿١٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ ﴿١١﴾ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِن لَّا يَشْعُرُونَ ﴿١٢﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا كَمَا ءَامَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا ءَامَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ ﴿١٣﴾ وَإِذَا قِيلَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامِنُوا إِذَا خَلَوْا إِلَى شَیْطَانِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزَءُونَ ﴿١٤﴾ اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١٥﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَةَ بِالْهَدَىٰ فَمَا رَیَحَتْ تَجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿١٦﴾

کسانی که کافر شدند، برای شان یکسان است که آنان را بترسانی یا نترسانی، ایمان نمی آورند^[۱] ﴿۶﴾ الله بر دلها و گوشهایشان مهر زده است و بر چشم هایشان پرده ای است، و برای آنها عذاب بزرگی است ﴿۷﴾ گروهی از مردم هستند که می گویند: به الله و روز رستاخیز ایمان آورده ایم در حالی که ایمان ندارند ﴿۸﴾ آنان (به نظرشان) الله و مؤمنان را فریب می دهند در حالی که جز خودشان را فریب نمی دهند ولی نمی فهمند ﴿۹﴾ در دلهای آنان بیماری است و الله بر بیماری آنان افزوده، و بخاطر دروغ هایی که می گفتند، برای شان عذاب دردناکی است ﴿۱۰﴾ و هنگامی که به آنها گفته شود: "در زمین فساد نکنید" می گویند: "ما فقط اصلاح کننده ایم" ﴿۱۱﴾ آگاه باشید! آنها همان مفسدانند؛ ولی نمی فهمند ﴿۱۲﴾ و هنگامی که به آنان گفته شود: "ایمان بیاورید چنانکه مردم ایمان آورده اند" می گویند: "آیا ایمان بیاوریم چنانکه بی خردان ایمان آوردند؟" آگاه باشید! آنها همان نابخردانند؛ ولی نمی دانند ﴿۱۳﴾ و هنگامی که افراد با ایمان را ملاقات می کنند می گویند: "ما ایمان آورده ایم" و هنگامی که با شیطان های خود خلوت می کنند می گویند: "ما با شما ایم، ما فقط (آنها را) مسخره می کنیم" ﴿۱۴﴾ الله آنان را مسخره می کند، و آنها را در طغیان شان نگه می دارد تا سرگردان شوند ﴿۱۵﴾ آنان کسانی هستند که گمراهی را به هدایت خریدند، پس تجارت آنها سودی نداد، و هدایت نیافتند ﴿۱۶﴾

[۱] در اینجا علت ایمان نیاوردن آنها بیان شده که چگونه ارتکاب کفر و تکرار معصیت، دل را از پذیرفتن حق باز می دارد.

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ
 ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ ﴿١٧﴾ ضُمُّ
 بُكُمْ عُمَى فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿١٨﴾ أَوْ كَصَيْبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ
 ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصْبَعَهُمْ فِي أَذَانِهِمْ مِّنَ الصَّوَاعِقِ
 حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿١٩﴾ يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ
 أَبْصَرَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَّشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا
 وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَرِهِمْ إِنَّا اللَّهُ عَلَى كُلِّ
 شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٠﴾ يَأْتِيهَا النَّاسُ أَعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ
 وَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٢١﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ
 الْأَرْضَ فَرَشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ
 بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَندَادًا وَأَنْتُمْ
 تَعْلَمُونَ ﴿٢٢﴾ وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَى عَبْدِنَا
 فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ
 إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٣﴾ فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا
 النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ﴿٢٤﴾

داستان اینان همانند داستان کسی است که آتشی افروخته پس چون
 آتش اطراف او را روشن ساخت، الله نورشان را بگرفت و در
 تاریکیهایی که نمی بینند رهایشان کرد ﴿١٧﴾ کراند، گنگاند، کوراند،
 پس باز نمی گردند ﴿١٨﴾ یا همچون بارانی است که از آسمان (فرو
 ریزد) و در آن تاریکی ها ورعد و برق باشد، و آنها از ترس مرگ
 انگشتان خود را در گوشهایشان فرو می برند تا صدای صاعقه را
 نشنوند، والله به کافران احاطه دارد ﴿١٩﴾ نزدیک است که برق
 چشمانشان را برباید، هرگاه که برای آنها روشن شود در (روشنایی) آن
 راه می روند و چون تاریک شود (در جای خود) بایستند. و اگر الله
 بخواهد گوش و چشمانشان را از بین می برد، چراکه الله بر هر چیز
 تواناست ﴿٢٠﴾ ای مردم! پروردگار خود را پرستش کنید، آن کسی که
 شما و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید تا پرهیزگار شوید ﴿٢١﴾ آن
 کس که زمین را برای شما بگسترده و آسمان را همچون سقفی بالای
 سر شما قرارداد. و از آسمان آبی فرو فرستاد و بوسیله آن انواع میوه ها
 را بوجود آورد تا روزی شما باشد. بنا براین برای الله همتیانی قرار
 ندهید، ^[١] در حالی که می دانید ﴿٢٢﴾ و اگر درباره آنچه بر بنده خود
 (محمد ﷺ) نازل کرده ایم؛ در شک و تردید هستید، سوره ای همانند
 آن بیاورید و گواهان خود را غیر از الله. فرا خوانید، اگر راست می
 گوید ﴿٢٣﴾ پس اگر چنین نکردید. و هرگز نتوانید کرد، از آتشی بترسید
 که هیزم آن مردم و سنگها ست و برای کافران آماده شده است ﴿٢٤﴾

[١] عبد الله ابن مسعود ؓ می گوید: از رسول الله ﷺ پرسیدم: بزرگترین گناه کدام
 است؟ فرمود: "اینکه برای الله شریک قرار دهی در حالی که او تو را آفریده است".
 عرض کردم: بی گمان این گناه بزرگی است، بعد از آن کدام است؟ فرمود: "اینکه
 فرزندان را از ترس فقر و گرسنگی به قتل برسانی". پرسیدم: بعد از آن کدام (گناه) «